

مؤلفه‌های معارف اسلامی و اخلاق دینی از منظر قرآن کریم و اندیشه عرفانی مولانا

میترا بهرامی^۱

چکیده

معارف اسلامی و اخلاق اجتماعی به معنای همه رفتارهای اختیاری انسان در مقابل انسان‌های دیگر است. اخلاق اجتماعی از جمله مهم‌ترین بخش‌های اخلاق در آیات قرآن کریم است. خداوند متعال در همه آیات قرآن به مبحث اخلاق اجتماعی و لزوم رعایت آن در جامعه تأکید دارد. مولانا از جمله شاعران بلندپایه ادبیات فارسی است که در اشعار خود به خصوص در مثنوی ارزشمند خود همواره به اخلاق اجتماعی مدنظر قرآن توجه داشته است. در این پژوهش برخی از بهترین جلوه‌های اخلاق اجتماعی از نگاه قرآن مانند فروتنی، عدالت، وفاداری و دوری از پیمان‌شکنی، گذشت، محبت و مهربانی، پرهیز از ظلم و دوری از حسادت در اشعار مولانا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مولانا در اشعار خود به ویژه در مثنوی به اخلاق اجتماعی توجه داشته است و جلوه‌های مورد بررسی در این مقاله را در خلال داستان‌ها و حکایت‌های خود مورد توجه قرار داده است. مولانا به موضوع عدالت، فروتنی، وفاداری، محبت، گذشت و دوری از ظلم و حسادت در روابط اجتماعی انسان‌ها با الهام از آیات قرآنی توجه داشته است و مخاطبان اشعار خود را همواره به رعایت اخلاق اجتماعی توصیه شده در آیات قرآن دعوت می‌کند.

کلمات کلیدی: معارف اسلامی، اخلاق اجتماعی، قرآن، مولانا، مثنوی.

^۱ گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

مقدمه

در تعریف اخلاق آمده است که «اخلاق جمع خُلق در اصل واژه‌ای عربی و به معنای سرشت و سبیه به کار رفته است؛ اعم از اینکه سبیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند جوانمردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی» (یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). دهخدا اخلاق را جمع خُلق دانسته که در لغت به معنای خوی‌هاست. (ر.ک دهخدا، ۱۳: ۱۵۲۵). یکی از بخش‌های مهم و اساسی اخلاق اسلامی اخلاق اجتماعی است. انسان موجودی اجتماعی است و به همین دلیل به زندگی در میان انسان‌ها و اجتماع نیاز دارد. منظور از اخلاق اجتماعی رفتارها و رابطه فرد با انسان‌های دیگر است از جمله رفتارهای اجتماعی انسان‌ها می‌توان به معاشرت با دیگران، عدالت، گذشت و بخشش، فروتنی، صبر و بردباری، محبت، دوری از ظلم و ... اشاره کرد. اخلاق اجتماعی در حوزه اسلامی عبارت است از «آن دسته از بایدها و نبایدهای غیر الزامی که اعم از صفات نفسانی و افعال هستند و چنین اخلاقی اگر مربوط به گروهی و جمعی باشد اخلاق اجتماعی گفته می‌شود» (حق شناس، ۱۳۸۶: مقدمه).

اخلاق اجتماعی در دین مبین اسلام جایگاه بسیار ارزشمندی دارد به گونه‌ای که در آیات قرآن کریم می‌توان جلوه‌های گوناگون اخلاق اجتماعی را مشاهده کرد. در نگاه قرآن اخلاق اجتماعی و توجه به شاخصه‌های آن مانند زندگی اجتماعی، رفتار اجتماعی و مسئولیت اجتماعی بسیار ارزشمند بوده و اهمیت بسیاری دارند. توجه به فضایل اخلاقی چه اخلاق فردی و چه اخلاق اجتماعی از جمله اهداف ارزشمند دین اسلام است که آثار آن را در آیات قرآن و نیز زندگی پیامبر اکرم می‌توان مشاهده نمود. تربیت انسان‌ها و توصیه به اخلاق نیکو از جمله اهداف بعثت پیامبر (ص) است و هدف از نزول آیات ارزشمند قرآن کریم نیز برای تربیت درست انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی بوده است. از نگاه دین اسلام پابندی به اخلاق راه نجات و رستگاری انسان‌ها از دنیای مادی است. پرورش فضایل اخلاقی از جمله صدق، عدالت، فروتنی، صبر و ... می‌تواند روابط اجتماعی انسان‌ها را نیکو گرداند و به آن‌ها در رسیدن به زندگی سالم و سعادت‌مند یاری رساند. از دیدگاه اسلام یکی از راه‌های رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی داشتن اخلاق نیک و دوری از رذایل اخلاقی است. در آیات قرآن به این مسأله اشاره شده است که برخی از رذایل اخلاقی می‌تواند مانع ایمان به پروردگار شود. خداوند در آیه دوم سوره جمعه یکی از اهداف فرستادن پیامبران را پرورش اخلاق و تزکیه و تهذیب جان انسان‌ها بیان می‌کند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲).

مولانا یکی از شاعران بلند پایه ادبیات فارسی است که در مثنوی ارزشمند خود همواره به اخلاق و به ویژه اخلاق اجتماعی توجه داشته است. مثنوی نماد افکار مذهبی و باورهای دینی مولانا است به همین دلیل با بررسی آن می توان به این نتیجه رسید که مولانا این اثر ارزشمند خود را با الهام از آیات قرآن سروده است. می توان گفت جوهره اصلی اشعار مولانا از دین اسلام و به خصوص آیات ارزشمند قرآن نشأت گرفته است. اشعار مولانا سرشار از آیات الهی و مفاهیم قرآنی است. با بررسی اشعار مولانا در مثنوی می توان گفت که مولانا از جمله شاعرانی است که بیشتر از دیگر عارفان از آموزه های قرآنی در اشعار خود بهره برده است. توجه به اخلاق اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم از جمله موضوعاتی است که مولانا در اشعار خود بسیار به آن اشاره داشته است. در این جستار برآنیم تا اخلاق اجتماعی و شاخصه های آن را از منظر قرآن و اندیشه عرفانی مولانا بررسی نماییم.

ضرورت پژوهش

مولانا از جمله شاعران بلند پایه ادبیات فارسی است که در تمام اشعار خود به خصوص در مثنوی با بیان حکایات و افسانه ها و مسائل عرفانی همواره سعی نموده تا حقایق الهی را برای مخاطبان خود روشن نماید اغلب اشعار او با الهام از آموزه های آیات قرآن کریم و مفاهیم آن سروده شده است. با بررسی و تحلیل اشعار مولانا می توان فهمید که این شاعر گرانقدر بیش از دیگر شاعران و عارفان ادبیات فارسی از آیات قرآن تأثیر گرفته است. مولانا علاوه بر ظاهر و صورت آیات قرآن مفهوم و درون مایه آیات را نیز در اشعار خود مورد توجه قرار داده است، به گونه ای که مفهوم آیات قرآنی را می توان در تمام ابیات مثنوی مشاهده نمود. یکی از آموزه های قرآن کریم که مولانا از آن در همه اشعار خود استفاده کرده است توجه به اخلاق جمعی اعم از فضایل و رذایل اخلاقی است. در این پژوهش برآنیم تا مهم ترین فضایل و رذایل اخلاق اجتماعی را که در قرآن به آن سفارش شده است را در اشعار مولانا مورد بررسی قرار دهیم. هدف از انجام این جستار تحلیل و بررسی جلوه های اخلاق جمعی و شاخصه های آن از منظر قرآن و اندیشه عرفانی مولانا است. انجام این پژوهش می تواند راهگشای پژوهشگران و محققان دیگر در زمینه توجه مولانا به اخلاق اجتماعی از منظر قرآن کریم باشد.

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش هایی که به موضوع اخلاق اجتماعی در اشعار مولانا پرداخته اند می توان موارد زیر را نام برد.

طبخ کار حسن کیاده کلثوم و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «بررسی مضامین اخلاق اجتماعی در اشعار مولانا با تکیه بر مثنوی معنوی» پژوهشنامه ادبیات تعلیمی سال سیزدهم. شماره پنجاه و دوم. نتیجه گرفته اند که مثنوی سرشار از آموزه های اخلاقی است و ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان را در برمی گیرد.

محمدنژاد معصومه و جهانبخشی حیدعلی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مثنوی مولانا و آموزه‌های اخلاقی برگرفته از قرآن و روایات» آموزه‌های اخلاقی برگرفته از قرآن را در مثنوی مولانا مورد توجه قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که مثنوی سرشار از آیات و روایات اسلامی است که در آن به ارزش‌های اخلاقی و انسانی مانند ترک رذایل حسد، ریا، خشم، ظلم و... و توصیه به فضایل اخلاقی مانند صدق و راستی، قناعت، نرمخویی، دادگری و... توجه شده است.

خرمی نسب الهام و مهدوی میان‌دشتی زهرا (۱۳۹۸) در مقاله «بازنمود آموزه‌های تعلیمی اخلاقی قرآن در اشعار مولوی با تکیه بر موضوع صلح و آشتی» فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق، سال نهم، شماره ۳۵، پیاپی ۵۷، نتیجه گرفته‌اند که ارتباط عمیقی و تنگاتنگی میان آموزه‌های دینی و اشعار مولانا از نظر صلح وجود دارد.

گردان غلامرضا (۱۳۷۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تعالیم اخلاقی در مثنوی معنوی» به راهنمایی محمد یوسف نیری، وزرات علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه شیراز، تعلیم اخلاقی در مثنوی را بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که مثنوی سرشار از تعالیم اخلاقی، اجتماعی، شرعی و عرفانی است.

قربانی، مهسا (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تجلی اخلاق اجتماعی در اشعار مولانا و سعدی از منظر آموزه‌های تفسیری قرآن کریم» به راهنمایی دکتر سید معصوم حسینی اخلاق اجتماعی را در اشعار مولانا و سعدی بررسی کرده است و نتیجه گرفته که این دو شاعر به مباحث اخلاق اجتماعی با توجه به آیات قرآن در اشعار خود توجه داشته‌اند. جلوه‌های اخلاق اجتماعی مورد بررسی در این پایان‌نامه در اشعار مولانا با پژوهش پیش‌رو متفاوت است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود موضوع این پژوهش‌ها با پژوهش پیش‌رو یکی نیست بنابراین موضوع این جستار نوآورانه محسوب می‌شود.

بحث و بررسی

معارف اسلامی و اخلاق جمعی در قرآن

یکی از مباحث بسیار مهم که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است، بحث اخلاق اعم از اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است. در قرآن هم به اخلاق فردی و هم به اخلاق اجتماعی تأکید شده است به گونه‌ای که می‌توان گفت با توجه به مفاهیم قرآن اگر اخلاق فردی و جمعی وجود نداشته باشد دین برای انسان‌ها معنایی نخواهد داشت. اخلاق به دلیل نقش محوری و مهمی که در سعادت فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت اخلاق در قرآن چنان است که یکی از اهداف بعثت پیامبران به خصوص پیامبر اکرم (ص) تزکیه نفس انسان‌ها از رذایل اخلاقی بوده است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲) یعنی: اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که

بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می کند و آنها را (از لوٹ جهل و اخلاق زشت) پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

یکی از جلوه های اخلاق در قرآن اخلاق اجتماعی و رفتار انسان ها با یکدیگر در اجتماع است که در آیات مختلفی به آن توجه شده است. قرآن با تأکید بر جلوه های اخلاق اجتماعی بیان می دارد که روابط و اخلاق درست در میان جامعه می تواند انسان ها را به سعادت دنیوی و اخروی برساند. از نظر قرآن با رواج فضایل اخلاقی در جامعه و روی کار آمدن حاکمیت اسلامی مبتنی بر اخلاق اجتماعی بدون شک جامعه به سعادت و آرامش دست خواهد یافت. فضایل اخلاقی در قرآن وسیله ارتباط خداوند با بندگانش شمرده می شود از دیدگاه قرآن انسان ها با رعایت اخلاق در زندگی می توانند به سعادت برسند و افرادی که از فضایل اخلاقی برخوردار نیستند، عاقبت سعادتمندی نخواهند داشت. قرآن به کارگیری فضایل اخلاقی در جامعه را مایه نجات و رستگاری انسان می داند و بر دوری از رذایل اخلاقی در میان انسان ها تأکید می کند. از نظر قرآن رذایل اخلاقی چون حسد، ظلم و ستم به دیگران مایه بدبختی و شقاوت انسان ها می شود و رعایت اخلاق اجتماعی و پرهیز از رذایل اخلاقی در ارتباط با دیگر انسان ها از واجبات زندگی بشر است و زندگی انسان ها را به سوی سعادت و نیکبختی هدایت می کند. یکی از مهم ترین اهداف رسالت پیامبر دعوت به فضایل اخلاقی به خصوص اخلاق اجتماعی بوده است. تزکیه و تهذیب نفس به عنوان عاملی برای دوری از گناهان و رسیدن انسان به سعادت زمانی به دست می آید که اخلاق به ویژه اخلاق اجتماعی در میان انسان ها شکل بگیرد. از نظر قرآن اخلاق جمعی می تواند سرنوشت و سعادت دنیوی و اخروی انسان ها را تحقق بخشد. خداوند در قرآن کریم در بیشتر آیات انسان ها را به رعایت اخلاق اجتماعی از جمله عدالت، دوری از ظلم، وفاداری، صبر و... دعوت می کند. چنانکه در آیه ۱۷۷ از سوره بقره می فرماید: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷) یعنی: نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی اثری است) لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به مستحق) بدهد، و نیز نیکوکار آنانند که با هر که عهد بسته اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته اند) آنها به حقیقت راستگویان و آنها به حقیقت پرهیزکارانند.

بر این اساس قرآن به عنوان جامع ترین کتاب آسمانی همواره به اخلاق اجتماعی در میان انسان ها توجه داشته است و با تعمق در آیات آن می توان فهمید که همواره انسان ها را به فضایل اخلاق اجتماعی چون به عدالت، صبر، پرهیز از ظلم، وفاداری و

گذشت دعوت نموده است. توجه به اخلاق اجتماعی در قرآن به گونه‌ای است که «از بین آیات اخلاقی تعداد ۴۲۷ آیه به آیات اخلاق اجتماعی اختصاص داده شده است و این نشان‌دهنده اهمیت و توجه به مسائل اخلاق اجتماعی برای زندگی و حیات بشر در نظام توحیدی اسلام و قرآن است به طوری که به جزئی‌ترین تعاملات اجتماعی در این کتاب مقدس توجه شده است» (ر.ک حسومی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۹۸).

مولانا شاعر و عارفی بلند مرتبه است که در همه اشعارش کوشیده تا بر طبق آموزه‌های قرآن کریم اهمیت توجه و به کارگیری فضایل و دوری از رذایل اخلاقی را به همگان بیاموزد. اشعار این شاعر گرانقدر سرشار از فضایل اخلاقی از جمله اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است. در ادامه به برخی از نمونه‌های فضایل اخلاق اجتماعی در اشعار مولانا که تأثیر پذیرفته از قرآن کریم است اشاره می‌کنیم.

فروتنی

تواضع و فروتنی یکی از فضایل اخلاق اجتماعی است که در قرآن بسیار به آن اشاره شده است. تواضع دو ساحت معنایی دارد یکی تواضع در برابر پروردگار است و دیگری تواضع در برابر خلق. در اخلاق اجتماعی تواضع با خلق مورد نظر است. فروتنی در برابر انسان‌ها و دوری از تکبر و خودبینی یکی از اخلاق‌های نیکو است که انسان را به سعادت می‌رساند. در آیه ۸۸ سوره حجر آمده است که: «وَأَخْفِضْ جَا حَاكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸) یعنی: و بال و پرهای خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر. در این آیه خداوند پیامبر را به نرم‌خویی و فروتنی و مهربانی نسبت به مؤمنان سفارش می‌کند. بسیاری از مفسران مفهوم این آیه را کنایه از لزوم تواضع و نرمی و حسن خلق پیامبر (ص) به مؤمنان دانسته‌اند. (ر.ک طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ص ۳۵۳ و طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۳۵۷). در آیه ۳۷ سوره اسراء آمده است که: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (اسراء: ۳۷) یعنی: روی زمین با تکبر راه مرو. منظور در اینجا تنها راه رفتن نیست بلکه در این آیه هدف بیان تواضع در همه امور زندگی انسان‌ها است. هدف از بیان این آیه‌ها و دیگر آیه‌هایی که در مورد تواضع و فروتنی در قرآن آمده است دوری از تکبر و خودخواهی و ظلم در برابر خلق است. در واقع در قرآن با تأکید بر تواضع هدف از آن فروتنی متعادل و به دور از افراط و تفریط در برابر بندگان خدا است. افراط در تواضع موجب ذلت انسان در برابر انسان‌های دیگر و تفریط در آن موجب تکبر و خودخواهی انسان در مقابل دیگران خواهد بود.

مولانا در اشعار خود تواضع را به عنوان یکی از بهترین فضایل اجتماعی مورد توجه قرار داده است و آن را از صفات و ویژگی‌های مؤمنان دانسته است. مولانا در ابیات زیر تواضع و فروتنی در برابر انسان‌های والامقام را ستایش می‌کند و در مقابل فروتنی در برابر انسان‌های پست و رذل را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

ای تواضع برده پیش ابلهان وی تکبر بُرده تو پیش شهان

آن تکبر بر خسان خوبست و چُست هین مرو معکوس، عکسش بندِ توسست

(دفتر چهارم: ۲۲۲۵ - ۲۲۲۶)

عدالت

عدالت از فضایل اخلاق اجتماعی است که خداوند در قرآن به آن فرمان می‌دهد و آن را برای هر انسانی واجب می‌داند. در آیه ۹۰ سوره نحل خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) یعنی: خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد. عدالت در قرآن به قدری ارزش و اهمیت دارد که خداوند به انسان‌ها دستور می‌دهد که حتی با دشمنان خود به عدالت رفتار کنید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید و دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و تقوای الهی پیشه کنید، که البته خدا به هر چه می‌کنید آگاه است. «عدالت اجتماعی عرصه گسترده‌ای دارد که قرآن در ساحت‌های مختلف از آن سخن به میان آورده است. در قرآن عدالت هدف نبوت و فلسفه بعث شمرده شده (حدید: ۲۵) و مشروعیت حاکمیت بر آن استوار دانسته شده است و همه مؤمنان مأمور شده‌اند تا بنای جامعه و حاکمیت را بر عدالت بگذارند (نساء: ۵۸) و فراتر از علایق شخصی و خویشی و قومی در رعایت حقوق همگانی از مسیر عدالت خارج نشوند (انعام: ۱۵۲ - ۱۵۳)» (فخر زارع، ۱۳۹۸: ۱۱).

مولانا نیز با الهام از آموزه‌های قرآن کریم به موضوع عدالت و لزوم توجه به آن در زندگی اجتماعی تأکید داشته است.

شاه عادل چون قرین او شود معنی نور علی نور این بود

(دفتر چهارم: ۱۲۵۱)

از نظر مولانا عدل به معنای گذاشتن هر چیزی در جای مناسب آن است. مولانا در اشعار زیر عدل را در مقابل ظلم قرار می‌دهد و معتقد است در شرایطی که درختان سرسبز به آب نیازمند هستند نباید به خار آب داد و آب دادن به خار در صورتی درختان

نیاز به آب دارند ظلم است. زیرا عدالت‌ورزی حکم می‌کند که از سرمایه‌ها باید استفاده درست کرد و نباید با افعال ظالمانه سرمایه‌های مادی و معنوی را از بین برد:

عدل چه بود، وضع اندر موضع‌اش	ظلم چه بودوضع در ناموضع‌اش
عدل چه بود آب‌ده اشجار را	ظلم چه بود آب دادن خار را
عدل وضع نعمتی در موضع‌اش	نه به هر بیخی که باشد آب‌کش
ظلم چه بود وضع در ناموضعی	که نباشد جز بلا را منبعی
ظلم چه بود وضع غیر موضع‌اش	هین مکن در غیر موضع ضایع‌اش

(دفتر ششم: ۲۵۹۶ - ۲۶۳۱)

صبر و بردباری

یکی از انواع صبر در قرآن صبر در روابط اجتماعی است. صبر از این نظر یکی از مباحث مهم و ارزشمندی است که در قرآن به آن توصیه شده است. خداوند در قرآن به مؤمنان سفارش می‌کند که برای پرهیز از خشونت در برابر دیگران صبر پیشه کنند. در سوره هود آیه ۱۱۵ آمده است: «وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۵). یعنی: صبر کن ای پیغمبر بر اذیت مردم که خدا ضایع نمی‌کند اجر نیکوکاران را. در این آیه خداوند پیامبر را به صبر و بردباری در برابر اذیت و آزار مردم دعوت می‌کند. در آیه ۱۰ از سوره مزمل نیز آمده است: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمل: ۱۰) یعنی: و صبر کن ای پیغمبر بر آنچه می‌گویند و کناره‌گیری کن از ایشان کناره‌گیری نیکو. از دیدگاه قرآن فرد صبور در مقابل ظلم و اشتباهات دیگران بردبار است و گذشت می‌کند. «وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری: ۴۳) یعنی: کسی که صبر کند و ببخشد کار بزرگی انجام داده است. از دیدگاه قرآن انسان باید در برابر خشونت و جهل و نادانی دیگران مدارا کند و صبور باشد. به‌طور کلی در قرآن به صبر به‌عنوان زمینه‌ساز اطاعت از خدا (انفال: ۴۶). نوعی امداد غیبی و همراهی پروردگار با افراد صبور (آل عمران: ۱۲۵)، مایه سعادت و رستگاری انسان (آل عمران: ۲۰۰). از نتایج صبر دوری از گناه (یوسف: ۹۰) اشاره شده است.

مولانا در سر تا سر مثنوی با الهام از آیات قرآنی و احادیث نبوی به اهمیت صبر و شکیبایی در زندگی فردی و اجتماعی توجه داشته است. از نظر مولانا صبر انسان را از مشکلات و سختی‌ها نجات می‌دهد و کلیدی است که هر در بسته‌ای را می‌تواند بگشاید و صبر انسان در برابر دیگران موجب حل مشکلات و رسیدن او به سعادت است.

صبر کردن بهر این نبود حرج کن، کالصبـر مفتاح الفرج

(دفتر سوم: ۲۱۲)

مولانا معتقد است هر کس صبر ندارد از ایمان بی‌بهره خواهد بود.

گفت پیغمبر خدای ایمان نداد هر که نبود صبوری در نهاد

صبر از ایمان بیاید سر کله لا صبر فلا ایمان له

(دفتر دوم: ۶۰۰-۶۰۱)

مولانا در داستان «رفتن درویشی از مریدان شیخ حسن خرقانی به خرقان» بر اهمیت صبر به عنوان اخلاقی اجتماعی در برابر اذیت و آزار دیگران تأکید می‌کند.

بعد از آن در مشکل انکار زن برگشاد آن خوش سـراینده دهن

کان تحمل از هوای نفس نیست خیال نفس توسـت آن جامه‌ایست

گر نه صبرم می‌کشیدی بار زن کشیدی شیر نر بیگار من

(دفتر ششم: ۲۱۳۶-۲۱۳۸)

مولوی در این داستان می‌گوید که درویشی به جهت دیدن ابوالحسن خرقانی راه سختی را می‌پیماید و زمانی که به در خانه شیخ می‌رسد و در خانه را می‌زند با تمسخر و حرف‌های زننده زن ابوالحسن مواجه می‌شود. مرید بی‌اعتنا به سخنان زشت زن به دنبال شیخ می‌گردد و سرانجام او را در کوهی می‌یابد در حالی که شیری غرنده هیزم‌های او را حمل کرده و خود او نیز بر روی هیزم‌ها نشسته و ماری به عنوان تازیانه در دست اوست. او بنا به علم الهی که دارد از داستان مرید باخبر است. و در پاسخ به او می‌گوید پاداش صبر در برابر بدخلق‌ی‌ها و عناد آن زن چنین قدرتی است که همه موجودات در مقابل من رام هستند.



مولانا در این داستان بر اهمیت صبر و شکیبایی در برابر دیگران تأکید دارد و داشتن صبر را غلبه بر هر مشکلی می‌داند. در این داستان مولانا تحمل و صبر در برابر اذیت و آزار دیگران را سنت انبیا بزرگ الهی می‌داند. مولانا در سرتاسر مثنوی به صبر و شکیبایی در برابر آزار دیگران تأکید دارد. در پایان داستان سلطان محمود و غلام هندو در دفتر ششم مثنوی بیان می‌دارد که بردباری و صبر در مقابل دوست و همنشین بد روح را برای درک حقایق الهی وسعت می‌بخشد. او در این داستان صبر در برابر سختی‌ها و آزار دیگران را به کل عالم تعمیم می‌دهد و می‌گوید که پاداش صبر گل در برابر خار خوشبویی و معطری گل است. شیر (خوردنی) با صبر و شکیبایی است که در درون بدن جانوران به عنصری حیات بخش تبدیل شده است و پاداش صبر پیامبران در برابر منکران و تحمل آزار و اذیت آنان این است که از مقربان درگاه الهی هستند به گونه‌ای که می‌توانند انسان‌ها را هدایت کنند.

وفاداری و دوری از پیمان شکنی

خداوند در قرآن همواره بندگان خود را به وفاداری و پابندی به عهد و پیمان دعوت می‌کند. وفاداری در قرآن یکی از فضایل اخلاقی در اخلاق جمعی شمرده می‌شود. در آیه ۲۰ سوره رعد آمده است: «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْفُضُونَ الْمِيثَاقَ» (رعد: ۲۰) یعنی: آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان نمی‌شکنند. قرآن همواره انسان‌ها را به وفاداری بر عهد و پیمان فرا می‌خواند. از دیدگاه قرآن پیمان شکنی و نقض عهد نوعی خودخواهی و بی‌اعتنایی به حقوق دیگران است. در قرآن وفاداری محدود به روابط اجتماعی میان مسلمانان نیست بلکه فضیلت اخلاقی وفای به عهد و پیمان در برابر کافران، دشمنان و بیگانگان نیز باید صورت گیرد. «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۷) یعنی: مگر با آنان که در نزدیکی مسجد الحرام پیمان بستید تا آنان به پیمان خود وفادارند، شما نیز وفادار باشید. همانا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. و نیز در آیه ۶ سوره توبه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه: ۶) یعنی: هرگاه مشرکی امان بخواهد تا سخن خدا را بشنود، به او امان بده تا کلام الهی را گوش کند آنگاه او را به جایگاه خود بازگردان. همان گونه که از این آیه دریافت می‌شود وفاداری به عهد و پیمان حتی در برابر مشرکان توصیه می‌شود. از جمله اسوه‌های وفاداری در قرآن حضرت اسماعیل است. «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم: ۵۴) یعنی: در این کتاب اسماعیل را یاد کن همانا او در وعده‌اش راستگو و باوفا بود. در قرآن علاوه بر تأکید بر وفاداری در روابط اجتماعی انسان‌ها نقض عهد و پیمان شکنی نیز مورد نکوهش قرار گرفته است. از نظر قرآن فرد پیمان شکن به خود زیان می‌رساند. «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» (فتح: ۱۰) یعنی: هر کس پیمان شکنی کند در حقیقت به زیان خویش پیمان شکنی کرده است. از نظر قرآن انسان پیمان شکن اعتماد انسان‌ها را از دست می‌دهد و اینگونه جامعه دچار آشفتگی و هرج و مرج می‌شود.

مولانا در مثنوی به اهمیت پابندی به پیمان و وفاداری تأکید داشته است. او در ابیات زیر به روز الست و پیمان انسان با خدا اشاره می‌کند. در روز الست انسان با خدا عهد می‌بندد که جز او را نپرستند اما در این دنیا پیمان خود با خود را فراموش کرده و به عهد خود وفادار نیستند. در این ابیات مولانا بر اهمیت لزوم وفاداری بر عهد و پیمان تأکید دارد.

ما در این دهلیز قاضی قضا	بهر دعوی «الست» ایم و «بلی»
که «بلی» گفتیم و آن را ز امتحان	فعل و قول ما شهود است و بیان
از چه در دهلیز قاضی تن زدیم؟	نه که ما بهر گواهی آمدیم؟
چند در دهلیز قاضی ای گواه	حبس باشی؟ ده شهادت از پگاه
ز آن بخواندت بدینجا تا که تو	آن گواهی بدهی و ناری عُتو
از لجاج خوشتن بنشستهای	اندر این تنگی کف و لب بستهای
تا بندهی آن گواهی ای شهید	تو از این دهلیز کی خواهی رهید؟

(دفتر پنجم: ۱۷۴ - ۱۸۰)

مولانا در دفتر ششم در حکایت «کسی که توبه کند و پشیمان شود و باز فراموش کند» بیان می‌دارد که نقض عهد و شکستن توبه موجب لعنت و بلا خواهد شد و اینگونه بدعهدی و شکستن پیمان را نکوهش می‌کند.

نقض میثاق و شکست توبه‌ها	موجب لعنت شود در انتها
نقض توبه و عهد آن اصحاب سبت	موجب مسخ آمد و اهلاك و مَقت
پس خدا آن قوم را بوزینه کرد	چونکه عهد حق شکستند از نبرد

(همان: ۲۵۹۱ - ۲۵۹۹)

بخشش و گذشت

یکی دیگر از فضایل اخلاقی در اخلاق اجتماعی بخشش و عفو دیگران است. بخشش در قرآن به معنای عفو و گذشت آمده است. در واقع عفو در قرآن به معنای این است که فرد قدرت انتقام که حق اوست را دارد اما با این وجود طرف مقابل را عفو می‌کند. (مائده: ۹۵). یا اینکه بخشش به معنای گذشت از اشتباهات دیگران است. نادیده گرفتن بدی دیگران از دیگر مفاهیم عفو در قرآن است. در واقع عفو به معنای چشم‌پوشی از حق اصلی خود است.

خداوند در آیه ۱۷۸ سوره بقره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۷۸) یعنی: ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و بنده به جای بنده و زن را به جای زن قصاص توانید کرد. و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است، و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود. در این آیه همان‌گونه که مشاهده می‌شود عفو و گذشت به‌خصوص گذشتی که انسان در آن قدرت عمل دارد را ستایش می‌کند. در این آیه خداوند کسانی را که از حق خود برای مجازات می‌گذرند را مورد تشویق قرار می‌دهد. آیات زیادی در قرآن به موضوع عفو و بخشش پرداخته‌اند از جمله خداوند در آیه ۱۰۹ سوره بقره می‌فرماید: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۰۹) یعنی: پس عفو کنید و درگذرید تا خدا فرمان خویش را بیاورد که خدا بر هر کاری تواناست. در آیه ۱۹۹ سوره اعراف خطاب به پیامبر آمده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹). یعنی: طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان. همچنین در آیه ۴۰ سوره شوری به عفو بخشش توصیه شده است. «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» یعنی: پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او برعهده خداست به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد. همان‌گونه که از مفهوم آیات یاد شده مشاهده می‌شود عفو و بخشش در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد به‌گونه‌ای که در آیات مختلف انسان‌ها به عفو و بخشش در هر امری به‌خصوص در مواجهه با رفتار بد و زشت دیگران و گذشتن از حق خود در برابر افراد تهیدست دعوت شده‌اند. از نگاه قرآن عفو و بخشش موجب از بین رفتن دشمنی‌ها، صلح و همدلی و به‌وجود آورنده پیوندهای خانوادگی خوب در میان مردم می‌شود و همان‌گونه که از آیات یاد شده فهمیده می‌شود خداوند پاداشی نیکو برای کسانی که از حق خود می‌گذرند در نظر می‌گیرد. افراد بخشنده شامل رحمت و مهر خداوند خواهند شد و بخشش موجب جذب محبت الهی نیز خواهد شد.

مولانا در دفتر پنجم مثنوی در داستان «حکایت دادن شاه گوهر را در میان دیوان و مجمع به دست وزیر» به موضوع لزوم بخشش افراد در صورت مرتکب شدن به اشتباه اشاره داشته است. در این داستان سلطان محمود گوهر گرانبهایی را از خزانه خود

برمی دارد و از وزیر و امیران خود می خواهد که آن را بشکنند وزیر از این کار سر باز می زند و بیان می دارد که این گوهر بسیار ارزشمند است و چون من نگهبان دربار سلطنتی هستم به خاطر پادشاه این کار را نمی کنم. دیگر امیران نیز به تقلید از وزیر گوهر را نمی شکنند تا گوهر به ایاز غلام محبوب سلطان محمود می رسد ایاز بدون اتلاف وقت گوهر را می شکند و می گوید چون پادشاه دستور داد این کار را انجام دادم. شاه چون فرمانبرداری ایاز را می بیند دستور می دهد تا وزیر و امیران را به تقاص فرمانپذیر نبودن بکشند اما ایاز واسطه بخشش سلطان می شود و شاه آن ها را می بخشد و از گناه آن ها گذشت می کند.

کرد اشارت شه به جلاَد گُهن	که ز صدرم این خسان را دور کن
این خسان چه لایق صدر من اند	کز پی سنگ امر ما را بشکنند
امر ما پیش چنین اهل فساد	بهر رنگین سنگ شد خوار و کساد
پس ایاز مهرافزا برجهید	پیش تخت آن آغ سلطان دوید
سجده یی کرد و گلوی خود گرفت	کای قبادی کز تو چرخ آرد شگفت
جانشان بخش و ز خودشان هم مران	کام شیرین تواند ای کامران
عفو کن ای عفو در صندوق تو	سابق لطفی همه مسبوق تو

(دفتر پنجم: ۴۰۸۸ - ۴۱۱۹)

لازم بذکر است که این داستان علاوه بر معنای ظاهری معنایی نمادین و سمبلیک نیز دارد سلطان محمود نماد خداوند و ایاز سمبل فردی حقیقت جو است. دیگر آنکه مولانا در این داستان علاوه بر ستایش بخشش و عفو دیگران بحث شفاعت را نیز مورد توجه قرار داده است.

محبت و مهربانی در برابر دیگران

مهربانی و محبت در دین اسلام جایگاه ارزشمندی دارد به گونه ای که بدون مهربانی و محبت روابط اجتماعی سرد و بی روح می شود و زندگی معنایی ندارد. خداوند رحمان و رحیم خود احساس نیاز به محبت و مهربانی را در وجود انسان قرار داده است

به همین دلیل در قرآن همواره بندگانش را به مهربانی و محبت دعوت می‌کند. در آیه ۳۹ سوره طه خداوند به واژه محبت اشاره کرده است «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي» یعنی: و من محبتی از خودم بر تو افکندم. در آیه ۱۷ سوره بلد خداوند انسان‌ها را به صبر و مهربانی با یکدیگر دعوت می‌کند. «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ» (بلد: ۱۷) یعنی: از کسانی باشید که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی و عطوفت دعوت می‌کنند. اسلام خواهان برپایی جامعه‌ای است که در آن همگی انسان‌ها با هم دوست و برادر باشند. برادری و دوستی در جامعه زمانی اتفاق می‌افتد که انسان‌ها نسبت به یکدیگر مهربان باشند. خداوند در قرآن خود را نسبت به بندگان مهربان می‌داند و به همین دلیل از مسلمانان می‌خواهد که با یکدیگر با محبت و مهربانی رفتار کنند. در واقع خداوند خود کانون همه مهر و محبت‌ها و هر محبتی جلوه از مهربانی خداوند است. یکی از مهربان‌ترین آیات قرآن آیه ۵۳ سوره زمر است که خداوند در آن می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳) یعنی: بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید نشوید در حقیقت همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده و مهربان است. باید گفت که اسلام دین محبت و صفات رحیم و رحمان و غفور خداوند نشان‌دهنده لطف و محبت او به بندگان در بخشش گناهان است.

مولانا با توجه به آیات قرآن کریم همواره مفهوم محبت و مهربانی را در اشعار خود مورد توجه قرار داده است. مولانا در اشعار زیر مهر و محبت را صفتی انسانی می‌داند که در مقابل خشم و شهوت که صفاتی حیوانی هستند قرار می‌گیرد. از نظر مولانا محبت و مهربانی کینه‌ها را از سینه پاک می‌کند و تلخی را به شیرینی تبدیل می‌کند.

مهر و رقت وصف انسانی بود خشم و شهوت وصف حیوانی بود

(دفتر اول: ۲۴۳۶)

موجهای صلح بر هم می‌زند کینه‌ها از سینه‌ها بر می‌کند

موجهای جنگ بر شکل دگر مهرها را می‌کند زیر و زبر

مهر تلخان را به شیرینی می‌کشد زانکه اصل مهرها باشد، رشد

(دفتر اول: ۲۵۷۸-۲۵۸۰)

در جای دیگر مولانا معتقد است که مهر و محبت تلخی‌ها را به شیرینی و مس‌ها را تبدیل به زر و دردها را شفا می‌دهد. از نظر او محبت می‌تواند انسان مرده و افسرده را زنده کند و شاه را تبدیل به بنده می‌کند.

از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت مس‌ها زرین شود
از محبت دردها صافی شود از محبت دردها شافی شود
از محبت مرده زنده می‌کنند از محبت شاه بنده می‌شود

(دفتر دوم: ۱۵۲۹ - ۱۵۳۱)

پرهیز از ظلم و ستم در حق دیگران

یکی از موضوعات اخلاق اجتماعی پرهیز از ظلم و ستم در حق دیگران است. آیات قرآن سرشار از نکوهش ظلم و ستم در حق دیگران به خصوص انسان‌های مظلوم است. خداوند در قرآن به صراحت می‌فرماید که ستمگران را دوست ندارد. «وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۵۷) یعنی: اما آن‌ها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند خداوند پاداش آنان را به‌طور کامل خواهد داد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. خداوند در آیه ۳۰ سوره نساء خطاب به افراد ظالم و ستمکار بیان می‌دارد که عاقبت آنان آتش جهنم است «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدُوًّا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (نساء: ۳۰) یعنی: و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است. از نظر قرآن ظلم به دیگران در دنیا موجب محرومیت آن‌ها از رحمت پروردگار خواهد شد. «وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ» (نحل: ۸۵) یعنی: و روزی که ستمکاران عذاب خدا را به چشم ببینند دیگر هیچ نه تخفیف عذاب و نه مهلت (آسایش) خواهند یافت. دیگر آنکه ظلم به دیگران مانع از سعادت دنیوی و اخروی فرد خواهد شد. «وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (قصص: ۳۷) یعنی: و موسی گفت: خدای من به احوال رسولی که از جانب او به هدایت خلق آمده داناتر است و بهتر می‌داند که (از مؤمنان و شما کافران) کدام یک عاقبت خوش در دار عقبی خواهیم داشت، محققاً ستمکاران عالم هرگز فلاح و رستگاری نخواهند یافت. بر این اساس ظلم در قرآن عملی بسیار قبیح است و مورد نکوهش قرار گرفته است.

مولانا با توجه به آموزه‌های آیات قرآن همواره به موضوع ظلم و نکوهش آن در اشعار خود توجه داشته است. مولانا در دفتر اول مثنوی در حکایت نخچیران و شیر به خوبی به موضوع ظلم و عاقبت ظالم پرداخته است.

در این داستان شیر هر روز به یکی از حیوانات جنگل حمله می کند و آن را شکار می نماید روزی حیوانات جنگل به شیر پیشنهاد می دهند که به جای حمله هر روزه به جنگل به آن ها اجازه دهد که هر روز از میان خود یک نفر را انتخاب کنند که طعمه آن روز شیر باشد. شیر این پیشنهاد را می پذیرد روزی قرعه به نام خرگوش می افتد و او تصمیم می گیرد که حیوانات جنگل را از ظلم و ستم شیر نجات دهد. خرگوش حيله ای به کار می گیرد و با تأخیر به نزد شیر می رود شیر از این کار خرگوش عصبانی می شود و خرگوش علت دیر آمدن خود را اینگونه بیان می کند که وقتی به همراه دوستم که خرگوشی فربه بود به نزد تو می آمدم شیر دیگری در راه بدون توجه به اینکه ما طعمه تو هستیم خرگوش فربه را به گروگان نزد خود نگه می دارد تا تو نزد او بروی. شیر با شنیدن داستان خرگوش به نزد شیر رقیب که اقامتگاه او در داخل چاه است می رود و با نگاه به درون چاه و دیدن عکس خود به او حمله ور می شود و در نهایت از بین می رود.

در پناه شیر، تا چه می دويد

چونکه شیر اندر بر خویشش کشيد

اندر آب از شیر و او در تافت تاب

چونکه در چه بنگريدند اندر آب

شکل شیری در برش خرگوش زفت

شیر عکس شیر دید از آب زفت

مر ورا بگذاشت و اندر چه جهيد

چونکه خصم خویش را در آب دید

ز آنکه ظلمش در سرش آينده بود

درفتاد اندر چهی کو کنده بود

این چنین گفتند جمله عالمان

چاه مظلّم گشت ظلم ظالمان

عدل فرموده ست بتر را بتر

هر که ظالم تر چش باهول تر

از برای خویش دامن می تنی

ای که تو از ظلم چاهی می کنی

بهر خود چه می کنی اندازه کن

گرد خود چون کرم پيله بر متن

نک جزا طيرا ابابيلت رسيد

گر تو پيلي خصم تو از تو رميد

گر ضعیفی در زمین خواهد امان غلغل افتد در سپاه آسمان

(دفتر اول: ۱۳۰۴ - ۱۳۳۸)

مولانا در این داستان خطاب به انسان‌های ستمگر با ترسیم اینکه در نهایت هلاک خواهند شد آنان را هشدار می‌دهد و به آن‌ها یادآور می‌شود که در نهایت ظلم آن‌ها به پایان می‌رسد. او با بیان پایان تیره و تار شیر که با جهالت برای خود رقم زد به ستمکاران قدرتمند و نادان متذکر می‌شود که عاقبت در چاه بی‌بنی که روزگاری بر خلاف حق و عدالت برای دیگران حفر کرده بودند سقوط می‌کنند و هلاک می‌شوند.

پرهیز از حسد

حسد یکی از اعمال زشت و بسیار قبیح در میان روابط اجتماعی انسان‌هاست. انسان‌های حسود همه خوبی‌ها را برای خود می‌خواهند و از پیشرفت و موفقیت دیگران ناراحت می‌شوند. این افراد به جای تلاش و کوشش در جهت رسیدن به موفقیت نسبت به داشته‌های دیگران حسادت می‌ورزند. حسادت نسبت به دیگران است یکی از زشت‌ترین رذایل اخلاق جمعی است که در قرآن به آن اشاره شده و آیات فراوانی در نکوهش حسد آمده است و از مؤمنان خواسته شده که از شر انسان‌های حسود به خدا پناه ببرند. «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ... وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» یعنی: بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح... و از شر حسود هنگامی که حسد می‌ورزد. همانگونه که از مفهوم این آیه نمایان است رذیله اخلاقی حسد از زشت‌ترین صفات است و برای ایمنی از شر حسودان باید به خداوند پناه برد. گاهی انسان حسود کارش به جایی می‌رسد که از شدت حسادت به دیگران به آن‌ها آسیب می‌رساند. نخستین قتل که ناشی از حسد در جهان رخ داده است و در قرآن به آن اشاره شده است قتل هابیل توسط برادرش قابیل بود. (مائده: ۲۷ - ۳۱).

در آیه ۱۲۰ سوره آل عمران آمده است «إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران: ۱۲۰) یعنی: اگر به شما خوشی رسد آنان را بدحال می‌کند و اگر به شما گزند رسد بدان شاد می‌شوند و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد. در آیه ۵ از سوره یوسف نیز خداوند به حسادت برادران یوسف نسبت به او اشاره می‌کند در این آیه حضرت یعقوب از پسرش یوسف می‌خواهد که خواب خود را برای برادرانش بازگو نکند چرا ممکن است از روی حسادت به او آسیب برسانند. «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یوسف: ۵) یعنی: [یعقوب] گفت ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.

مولانا نیز با توجه به آیات قرآن کریم همواره به موضوع حسادت به عنوان یک رذیله اخلاقی توجه داشته است. مولانا در مثنوی در داستان «پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب» به رذیله حسادت اشاره کرده است.

آن وزیرک از حسد بودش نژاد	تا به باطل، گوش و بینی باد داد
بر امید آنکه از نیش حسد	زهر او در جان مسکینان رسد
هر کسی کو از حسد بینی کند	خویشتن بی گوش و بی بینی کند

(دفتر اول: ۴۳۷ - ۴۳۹)

نتیجه گیری

قرآن کریم به عنوان کتاب ارزشمند مسلمانان دربرگیرنده درس زندگی به انسانهاست از جمله موضوعات مهمی که خداوند در آیات ارزشمند قرآن به آن اشاره داشته است جلوه های اخلاق اجتماعی مانند عدالت، فروتنی، وفاداری، محبت، پرهیز از ظلم و دوری از حسادت است. مولانا به عنوان عارفی گرانقدر بیشترین تأثیرپذیری را در اشعار خود از مفاهیم قرآن داشته است با توجه به اشعار مولانا به خصوص در مثنوی درمی یابیم که این شاعر به موضوعات مختلف اخلاق اجتماعی در جای جای اشعار خود توجه داشته است و کتاب ارزشمند خود مثنوی را علاوه بر ذکر مفاهیم عرفانی با هدف دعوت مخاطبان به لزوم رعایت فضایل اخلاقی به خصوص اخلاق اجتماعی مانند عدالت، فروتنی، بخشش و گذشت، محبت و دوری از ظلم و حسادت سروده است. مولانا در تمام اشعار خود همواره چه به طریق اشاره مستقیم و چه با توجه به مفاهیم و آموزه های قرآنی اخلاق اجتماعی را در لابه لای داستان ها و حکایت و اشعار خود مورد توجه قرار داده است. با مطالعه اشعار مولانا در می یابیم که این شاعر همواره سعی داشته مخاطبان خود را به رعایت اخلاق فردی و نیز اخلاق اجتماعی مورد نظر در آیات قرآن کریم دعوت کند و در خلال حکایت ها و داستان های شگفت انگیز خود علاوه بر مفاهیم بلند پایه عرفانی به مباحث و آموزه های قرآن کریم به ویژه اخلاق جمعی مورد نظر آیات قرآن برای به کارگیری در زندگی اجتماعی توجه داشته است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

جلال الدین محمد بلخی. مولانا (۱۳۹۲) مثنوی معنوی. چاپ هشتم. قم: نگاه آشنا.

مصباح یزدی (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ سوم.

دهخدا. علی اکبر (۱۳). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.

فخرزادع. سید حسین (۱۳۹۸). عدالت اجتماعی در قرآن. فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. سال هفتم شماره دوم (پیاپی ۲۶) صص ۷-۲۸.

شیخ طوسی. محمد بن حسن (۱۴۱۳ ق) التبیان فی تفسیر القرآن. ۱۰ جلد. بیروت: احیاء التراث العربی.

شیخ طبرسی (۱۴۱۵ ق). تفسیر مجمع البیان. ۱۰ جلد. بیروت: مؤسسه علمی مطبوعات.

حق شناس. حمیدرضا (۱۳۸۶). رویکرد صحیفه سجادیه به اخلاق اجتماعی. پایان نامه ارشد. دانشکده الهیات. دانشگاه قم.

حسومی. طاهره و دیگران (۱۳۹۷). مطالعه معانی ضمنی و لفظی آیات اخلاق اجتماعی در قرآن کریم. پژوهش های اخلاقی. سال نهم. شماره یک. صص ۳۰۴-۲۸۵.